



روحانی در جلسه هیئت دولت:

اگر رئیس‌جمهوری نقد می‌کند دلسوزی برای اجرای قانون است

گروه سیاست: رئیس‌جمهور روز گذشته در جلسه هیئت دولت، به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «هر روزی که مردم به صحنه آمدند، آن روز، روز اوج انقلاب و تضعیف دیکتاتوری و همچنین تضعیف بدخواهان نسبت به ملت بزرگ ایران بود...»

صفحه ۶

پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۸ • ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ • ۶ فوریه ۲۰۲۰

تیترا

مازراتی سواران در فهرست سبد معیشت

صفحه ۵

دستگیری ۱۲ مدعی نفوذ در فرایند انتخابات با گزارش شورای نگهبان

صفحه ۲

سفیر ایران در عراق توضیح داد

راز سر به مهر پیام سلیمانی برای عربستان

صفحه ۱۵

واکنش هتل هویزه به یک گزارش

مجموعه هتل هویزه هیچ ارتباطی با موضوع بررسی صلاحیت‌ها ندارد

صفحه ۲

سکوهای خالی مصلحتی

صفحه ۱۴

حرف اول

بهره‌وری علیه هزارتوی شرکت‌های دولتی

عرفان مردانی

معاون سازمان ملی بهره‌وری



به‌گواه آمارهای موجود و شواهد ملموس، اقتصاد ایران در دهه ۹۰ شمسی ضعیف‌ترین عملکرد را در دهه‌های پس از جنگ داشته است؛ هرچند

غالباً تحمیل دو مرحله تحریم‌های بین‌المللی در اوایل و اواخر دهه ۹۰، از مهم‌ترین علل زمینه‌ای عملکرد نامطلوب اقتصاد ایران در این دهه تعبیر می‌شود؛ اما باید توجه داشت که مشکلات نهادی و ساختاری اقتصاد ایران نیز در این موضوع مؤثر بوده و تداوم این شرایط می‌تواند عملکرد سال‌های آینده را نیز همچنان تحت‌الشعاع قرار دهد. نرخ رشد اقتصادی، به‌عنوان شاخص‌ترین نماگر عملکرد یک اقتصاد، در فاصله سال‌های ۹۱ تا ۹۷ به‌طور میانگین معادل ۱۰٫۱ درصد بوده و مقایسه این رقم با میانگین ۴٫۶ درصدی دهه ۸۰ و میانگین ۳٫۴ درصدی دهه ۷۰ به‌خوبی بیان‌کننده فاصله خروجی اقتصاد ایران با ظرفیت‌های بالقوه آن است. در نظرات رشد کلاسیک غالباً سرمایه‌گذاری به‌عنوان پیشران اصلی رشد تلقی می‌شود و نرخ رشد منفی ۲۰٫۷ درصدی برای تشکیل سرمایه ثابت در دهه ۹۰، تا حد زیادی توضیح‌دهنده علت رشد پایین اقتصاد ایران در سال‌های اخیر است. برای سال‌های آینده نیز از یک سو به‌دلیل برقراری تحریم‌های مربوط به فروش نفت، امکان افزایش سرمایه‌گذاری دولت در افق کوتاه‌مدت نامحتمل به نظر می‌رسد و از سوی دیگر با توجه به تداوم بی‌ثباتی محیط کلان و افزایش میزان نااطمینانی، افزایش محسوس سرمایه‌گذاری بخشی خصوصی نیز دور از انتظار خواهد بود. افزایش جذب سرمایه خارجی نیز در این شرایط بسیار بعید به نظر می‌رسد. مشکلات مربوط به واردات تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای در فضای تحریم به‌همراه مشکلات نظام بانکی در تأمین مالی بنگاه‌ها نیز دو موضوع دیگری است که قطعاً فرایند سرمایه‌گذاری را دشوارتر خواهد کرد و به این ترتیب، انتظار می‌رود در سال‌های پیش‌رو تشکیل سرمایه ثابت رشد چندانی را تجربه نکند و موضوع به معنای باقی‌ماندن نرخ رشد اقتصادی در سطوح پایین یا حتی منفی خواهد بود. با این مقدمه به نظر می‌رسد تنها راه برون‌رفت از شرایط موجود، استفاده بهتر از انبار سرمایه موجود یا به زبان دقیق‌تر، افزایش بهره‌وری است.

ادامه در صفحه ۴



سخنرانی سالانه ترامپ در کنگره برگزار شد

ایران درمانی پس از استیضاح

گروه دیپلماسی: رئیس‌جمهور آمریکا در آخرین نطق سالانه خود در کنگره در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش، هیچ اشاره‌ای به استیضاح خود در مجلس نمایندگان که تا همین دیروز نیز در سنا دنبال می‌شد، نکرد و به‌جای آن روی ایران و وضعیت اقتصادی...

صفحه ۱۵

سال هفدهم • شماره ۳۶۴۱ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

سیلی خورده یا سیل خورده

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



سیل اخیر در سیستان و بلوچستان با وجود همه خساراتش حداقل این حسن را داشت که وضعیت زندگی مردم آن دیار به تصویر کشیده شود. تصاویر نشان‌دهنده

بی‌کاری و فقر مردم و به‌ویژه درماندگی نسل جوان در آن منطقه و نیز نشان‌دهنده کیفیت نامطلوب و ناچیز خانه‌ها و لوازم زندگی و کسب‌وکار آنان است.

معمولاً اگر فیلم‌سازی به ساخت فیلمی که در آن مشکلات و سختی‌های زندگی مردم عیان شود مبادرت کند، به آن کار سیاه‌نمایی اطلاق می‌شود و

صدالیه چنین فیلمی نمی‌تواند مبین زندگی قاطبه مردم باشد، اما به‌هرحال یک فیلم‌ساز باید بتواند نقاط ضعف و مشکلات جامعه را حتی اگر نادر باشد، به تصویر بکشد. حسن تصاویر بعد از جاری‌شدن سیل

آن بود که تصاویر مستند بود و نه ساخته‌شده. کشوری که ذخایر فراوانی دارد و پس از انقلاب اسلامی درآمد

مناسبی از قیل فروش نفت داشته است و عدالت از شعارهای مجوری انقلاب و باور مسئولان بوده و به تصریح قرآن مجید فلسفه برانگیخته‌شدن پیامبران

وضع عدل و قسط در جامعه است، نباید شاهد شرایطی باشد که در سیستان و بلوچستان دیده‌ایم. یا اینکه کولبران مرزی در شرایط طاقت‌فرسا جان

می‌دهند و مردم اهواز با بارش بارانی نسبتاً شدید دچار سیل و فاضلاب می‌شوند و کودکان کار در شرایط نامطلوب زندگی می‌کنند و در عوض سپرده

بانکی برخی افراد قابل شمارش نیست و در جامعه نوعی زندگی لوکس (لاکچری) در جریان است. اشتباه

نشود بحث کرچه تکراری است و به‌ظاهر بی‌نتیجه، اما لازم است در ابتدای کام دوم انقلاب به این مسائل

پرداخته شود. اگر کشور دچار مضیقۀ است چرا باید برخی چنان باشند و برخی چنین؟ ۴۰ سال مدت کمی نیست؛ در طول ۴۰ سال می‌توان کارهای بزرگی کرد

همان‌طور که برخی کشورها چنین کرده‌اند و در این ۴۰ سال کارهای بزرگی انجام شده است. مثال‌های

متعدد از کارهای بزرگ ژئوپلیتیکی، فناوری و اقدامات تأثیرگذار منطقه‌ای وجود دارد. هرچند

استدلال مخالف هم هست که نه می‌توان آنها را تصدیق و نه تکذیب کرد. می‌شد با سیاست‌های بهتر

نتایج نیکوتری به دست آورد. ناگزیر باید کمی دقت و کنج‌کاوی نشان داد تا مشخص شود تصمیم‌گیران

کشور در زمینه روش‌های اداره و مدیریت کشور چه کسانی بوده‌اند. می‌توان به‌ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری

آنها را طبقه‌بندی کرد. نخست، متولیان امور دینی زیرا که قانون‌گذاری در

کشور ما بر پایه مباحث دینی است. البته قرائت‌های متفاوت در زمینه‌های مختلف وجود دارد؛ برای مثال

قرائت قانون‌گذاران هستند که «اقتصاد» نوعی است و قرائت برخی دیگر که زمین را از عمق خاک تا حد ارتفاع

آسمان متعلق به مالک آن می‌دانند، نوعی دیگر. دوم، قانون‌گذاران یعنی مجلس شورای اسلامی

(مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی هر کدام به نوعی قانون‌گذار هستند؛

این قانون‌گذاران هستند که می‌توانند در مصوبات خود اعم از برنامه‌های پنج ساله (که اجرا نمی‌شود)

یا بودجه‌های سالانه (که فقط به تبصره‌ها توجه می‌شود و جدول‌های مالی مورد توجه قرار نمی‌گیرد)

و دیگر قوانین، مصوباتی برای جاری‌شدن عدالت و رفع تبعیض تصویب کنند و البته در این زمینه کمتر

دیده شده که مصوباتی وجود داشته باشد و شورای نگهبان آن را مردود بداند.

سوم، هیئت وزیران که رکن اصلی اجرای عدالت در کشور است. دولت نوعاً وظایف سنگینی بر عهده

دارد فقط تأمین آب، برق، گاز و بنزین که برعهده دولت است، بسیار کار سترگی است. اما دولت وظیفه دارد با ارائه لوایح قانونی و مصوبات لازم امر عدالت در کشور

را به سامان برساند. متأسفانه سنگینی بار مالی دولت و پرداخت‌های آن مجالی برای رفع محرومیت باقی نمی‌گذارد و طرح‌های عمرانی سراسری که می‌تواند

تأحدی به مردم کمک کند، در غوغای مسائل مالی دولت مغفول مانده است. اگر هم فرصت‌هایی پیش

بیاید، بدترین نوع استفاده از آن می‌شود مانند پرداخت بارانه نقدی به یارانه معیشتی (که به غلط معیشتی

و برخوردار یا یارانه معیشتی (که به غلط معیشتی

نماید شده و فقط جبران هزینه اضافه بنزین مصرفی

آن ۱۸ میلیون خانوار است). با یکی از صاحب‌نظران

گفت‌وگو کردم که چرا این‌همه فاصله طبقاتی وجود

دارد. او شهادت گفت این طبقه عجیب و غیرطبیعی

نیست، در زمان پیامبر (ص) هم اصحاب صفه بودند

که آه در بساط داشتند و آدم‌های ثروتمند هم بودند؛

بنابراین امری طبیعی است. این طرز تفکر چه بخشی

از حکمرانان کشور است؟ با وجود شعار عدالت، در

عمل به همین سیستم، یعنی سیستم شبه‌لیبرالیستی

کار می‌شود.

ادامه در صفحه ۲



مقام معظم رهبری:

گلایه‌های مردم به اصل انتخابات مربوط نمی‌شود

صفحه ۶

یادداشت

نخستین مأموریت رستم

کردار ماه تابنده بر آن تکیه زده بود و در پیرامونش پهلوانان بسیاری به آیین بزرگان کمر بریسته. آماده خدمت بودند و چون رستم را در گذر دیدند، او را به نوشیدن فراخواندند.

چو دیدند نم پهلوان را به راه/ پذیره‌شدنش از آن سایه‌گاه/ که ما میزبانیم و مهمان ما/ فرود آی ایدر به فرمان ما

رستم در پاسخ به دعوت آنان گفت: «برای کاری بشکوه راهی البرزکوه هستم، زیرا اورنگ شهریار

ایران خالی مانده و شایسته نیست که به نوشیدن نشست. میزبان رستم دست او را به فراسخت برداشت که این می‌شناسد؟». آن پهلوانی که بر تخت نشسته بود،

گفت: «من کی‌باد را نیکو می‌شناسم و اگر از اسب فرود آیی و با ما هم‌پایه شوی، قباد را به تو نشان

خواهم داد». رستم به محض آنکه نام کی‌باد را از زبان آن پهلوان شنید، از اسب فرود آمده، در کنار او

نشست. میزبان رستم دست او را به میهمان‌نوازی گرفت و با دست دیگر جامی به او عرضه کرد و خود

به شادمانی مهمان از ره رسیده، نوشید و گفت: «از من نشان قباد را پر سیدی، این نام را از کجا شنیده‌ای؟»

و پاسخ شنید که پدرش زال، او را در بی قباد فرستاده را شکوهی دیگر می‌شناسد. اکنون اگر نشانی از کی‌باد

دارد، او را به‌سوی آن نوشه‌ریار رهنمون شود. با این سخن، کی‌قباد خنده‌ای زد و گفت: «ای پهلوان، من

نوادگان فریدون هستم، همان کی‌قبادی که در جست‌وجوی اوبی». رستم چون این سخن شنید و

در چهره کی‌قباد به هوشمندی نگریست، دانست که فره ایزدی درخششی دیگر در چهره‌اش پدید آورده.

قباد برابرش سر فرود آورد و او را به استخر فراخواند. قباد شادمانه نوشید و گفت: «همین دوشین شب،

خواهی غریب دیدم که دو باز سید یک تاج رخشان به کردار خویش را بر سر من نهاند و تو همان باز سفید

هستی». تهمتن گفت: «اکنون برخیز تا به‌سوی ایران رویم که ایران‌ان از ستم تورانیان سخت در نجاتند.

قباد چون آتش از جای برخاست و شب و روز، بی‌خور و خواب به‌سوی استخر شتافتند. به‌ناگاه قلون، فرمانده طلایه‌داران سپاه توران در برابر کی‌قباد و همراهانش ظاهر شد و دو گروه آماده نبرد شدند. کی‌قباد بر آن بود که خود به مقابله قلون بشتابد و رستم او را از نبرد بازداشت و خود به میان سپاه توران زد و چندین از آنان را از اسب فروکشید، آن‌چنان‌که قلون مهوت به تماشا ایستاد که این دیو ازندجسته چگونه مبارزه می‌کند.

سپس نیز به دست گرفته به‌سوی رستم تاخت و

ضربه‌ای بر جوشن او زد که بند جوشن گسسته شد،

تهمتن چنگ بیگفتد و نیزه را از دست قلون بگیرفت و

همان نیزه را در شکم او فرو کرد...

پس از مرگ زو که تنها پنج سال برآوردنگ

شهریاری ایران تکیه زد، زال و دیگر پهلوانان ایران چون قارن کاوه و دیگر موبدان، فرزند زو، گرشاسب

را به شهریاری برگزیدند تا تخت شاهی بی‌شهریار نماند؛ اما گرشاسب را آن توش‌وتوان نبود که بتواند

وحدت و یکپارچگی در کشور پدید آورد و مانع از تهاجم دشمن اصلی ایران، تورانیان شود. با آگاهی

افراسیاب از خالی‌شدن تخت شهریاری، سپهدار توران از جیغون گذشت و سپاه به خوار آورد و از ایران نیز

سپاه به دعوت زال به دفاع از کشور دمام پیامد و میان دو سپاه دو فرسنگ فاصله بود اما گویی ایرانیان

عزم جنگ نداشتند. زال به فراسخت دریافت که این سپاه انگیزه مقابله با دشمن را ندارد و به بزرگان کشور

گفت که من این سپاه را آراسته‌ام ولی چون اورنگ شهریار خالی مانده است. آرای فرماندهان پراکنده

شده و وحدت نظری وجود ندارد. باید شهریاری را از خاندان کیانی برگزینیم که دارای فره ایزدی باشد.

پدیشان چنین گفت که ای بخردان/ جهان‌دیده و کارکرده ردان/ هم ایدر من این لشکر آراستم/ بسی

سروری و مهی خواستم/ پراکنده شد رای بی‌تخت شاه/ همه کار بی‌روی و بی‌سر سپاه/ شهی باید اکنون

ز تخم کیان/ به تخت کیی بر کمر بر میان یکی از موبدان به زال گفت: «از خاندان فریدون

پهلوانی به نام کی‌قباد در البرزکوه زندگی می‌کند که دارای فره ایزدی و ششکوه شهریاری است؛ باید او را

به استخر فراخوانیم». زال با آگاهی از وجود کی‌قباد، رستم را روانه البرزکوه کرد تا آن جوان رونم را به

استخر فراخواند؛ به شهریاری. در مسیر البرزکوه، رستم با طلایه سپاه توران مواجه شد. گرز گاوس را در چنگ گرفت و به میان طلایه زد و پس از رزمی کوتاه، سپاهیان تورانی دانستند که در برابر او

کوه‌پیکر بر هیون نشسته، تاب مقاومت ندارند و پای

به گریز نهاند و رستم که مأموریت دیگری داشت، به

تعقیب تورانیان ایرداخت و آنان خسته و ازپای افتاده

نزد افراسیاب رفتند و سپهدار توران را آگاه کردند،

او پهلوانی به نام قلون را فرمانده طلایه‌داران کرد،

با این امید که بتواند با آن هیولایی که از آن سخن

می‌گفتند، به مقابله بپردازد. از دیگر سوی رستم

به شتاب به‌سوی شاه آینده ایران تاخت و چون به

البرزکوه رسید، مرغزاری سرسبز و پرطراوت دید که

آب جویارانش گویی به مشک سوده درآمیخته بود

و در سایه‌سار درختی تختی نهاده بودند و جوانی به



مهدی افشار پژوهشگر

کارت هوشمند ملی، انتخابات و بند حقوقی پدربزرگ

جمهوری‌خواه) بود و این حزب از ایسن طریق با مانع‌تراشی در رای‌دهی آنها، جلوی برنده‌شدن حزب رقیب را می‌گرفت؛ گرچه در سال ۱۹۶۵ با تصویب «قانون حقوق رای‌دهی» برخی از موانع

یادشده برداشته شد و مشارکت آفریقایی‌تبارهای آمریکایی از ۳۱ به ۷۱ درصد افزایش یافت. باین‌حال

هم‌اکنون هم حزب حاکم در برخی از ایالت‌ها با ایجاد موانع اداری و اجرایی جدید ازجمله الزام به

ارائه کارت شناسایی عکس‌دار (گواهینامه رانندگی با پاسپورت) که معمولاً برخی از آفریقایی‌تبارها

به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی فاقد این مدارک هستند، جلوی مشارکت سیاسی آنها را می‌گیرند و

بند حقوقی پدربزرگ را بازتولید می‌کنند. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران،

مشارکت برای تمام افراد واجد شرایط رای‌دهی فراهم است و تمام گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی می‌توانند بدون هرگونه مانع و محدودیت

حقوقی و سیاسی اقدام به مشارکت کنند؛ باین‌حال به نظر می‌رسد در این دوره از انتخابات مانعی

به نام «کارت هوشمند ملی» به دلایل زیر خطر مشارکت گسترده مردم را در انتخابات تهدید می‌کند

و امکان دارد منجر به «بند حقوقی پدربزرگ» برای عده کثیری از شهروندان شود:

۱- سازمان ثبت‌احوال کشور براساس بخش‌نامه مورخ ۹۸/۲/۳۰ به همه دستگاه‌های اجرایی

اعلام نکرده است که «افرادی که صرفاً دارای کارت هوشمند ملی هستند یا رسید ثبت‌نام کارت

هوشمند ملی خود را دارند، از خدمات دولتی بهره‌مند نمی‌شوند» و از آن تاریخ به بعد شهروندان

بدون کارت هوشمند ملی یا رسید آن از حق دریافت خدمات دولتی اعم از اداری و بانکی محروم

شده‌اند. براساس اعلام رسمی این سازمان، از زمان آغاز این طرح در سال ۱۳۹۰ تا تاریخ ۹۸/۱۱/۱۲

تعداد ۴۶میلیون و ۳۱۲ هزار قطعه کارت هوشمند ملی برای تعداد ۵۵میلیون و ۶۲۰ هزار نفر

ثبت‌نام‌کننده کارت صادر شده و تعداد ۹میلیون و

۳۰۰ هزار نفر هم قریب دو سال است که در نوبت

خود به عمل نیاورده‌اند؛ بنابراین هم‌اکنون در

مجموع حدود ۱۸ تا ۲۰ میلیون نفر فاقد کارت

هوشمند ملی هستند و از این تعداد حدود

۲/۵ تا سه میلیون نفر رای اولی هستند که حتی

شناسنامه آنها هم فاقد عکس است و هیچ مدرک

رسمی عکس‌داری ندارند...

صفحه ۲

یادداشت



حمید شجاعی

انتخابات جوهر هر نظام مبتنی بر رای و دموکراسی است و با برگزاری انتخابات اراده و

حق انتخاب مردم متجلی و محقق می‌شود. بدیهی است که هر نظام حقوقی و سیاسی

برای فعلیت‌بخشیدن به حق انتخاب مردم باید سازوکارهای آن ازجمله زمینه‌های حقوقی و اداری

لازم را فراهم کند تا شهروندان بتوانند به‌راحتی از حق خویش بهره‌مند شده و نمایندگانی مبتنی

بر خواست و نظر خود را بر مصدر امور بنشانند. به پایانی حاکمیت مکلف است هرگونه موانع

حقوقی، اداری و اجرایی سد راه مشارکت مردم برای انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن را بردارد تا

خواست‌ها و نظرات اکثریت در عمل تحقق یابد؛ در غیراین‌صورت نظام سیاسی نمی‌تواند مدعی و

داعیه‌دار نمایندگی جمهوریت مردم شود. شاید گفته شود که مگر حاکمیت به غیر از

تسهیل‌گری کار دیگری هم انجام می‌دهد که مانع از مشارکت مردم در انتخابات شود؟ برخی

از نظام‌های سیاسی دنیا با ایجاد موانع حقوقی یا اداری عده‌ای را از حق انتخاب‌شدن یا انتخاب‌کردن

محروم کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا با ایجاد موانع قانونی و

برورokratic، امکان مشارکت برای همه واجدان شرایط رای‌دهی فراهم نمی‌شود و در بهترین حالت

۹۲ درصد از افراد واجد شرایط، حق شرکت در انتخابات را دارند و هشت درصد مابقی ازجمله

زندانیان، محکومان و تبعه‌گران آزادشده از زندان و افراد فاقد مدارک شهروندی نمی‌توانند در

انتخابات ثبت‌نام کنند و عمل رای‌دهی را انجام دهند. به‌علاوه در این کشور تا سال ۱۹۱۹ بزرگ‌ترین

گروه محروم از ثبت‌نام‌شدن برای رای‌دادن، شامل زنان و همچنین آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار و دیگر

گروه‌های اقلیتی و مهاجرانی می‌شدند که با موانعی

از قبیل مالیات همگانی، آزمون‌های باسوادی و «بند حقوقی پدربزرگ» جلوی ثبت‌نام‌شدن‌شان

را می‌گرفتند. طبق «بند حقوقی پدربزرگ»، اگر پدربزرگ یک فرد نمی‌توانست رای بدهد، خود فرد

هم نمی‌توانست برای رای‌دادن ثبت‌نام کند. هرچند هدف از این تبعیض در نظام سیاسی آمریکا به

صراحت بیان نمی‌شد؛ ولی قصد اصلی، ممانعت از ثبت‌نام و رای‌دهی آمریکایی‌های آفریقایی‌تباری بود که پایگاه رای‌شان برخلاف حزب حاکم (عمدتاً

صفحه ۲

ادامه در صفحه ۴

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری